

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام - 8 / آبان / 1384

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی اله الطیبین الأطهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین. قال الله الحکیم: «و ان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتتعکم متاعا حسنا الی اجل مسمی و یؤت کلّ ذی فضل فضله».

مجلس مهمی است؛ روزهای مهمی هم هست. ماه رمضان با برکاتش و با سفره ی گشوده ی الهی در آن، رو به پایان است. ما مسؤولان این کشور بزرگ که همیشه این امید را داشته ایم که بتوانیم برای نیکو انجام دادن تکالیف خود از کمک الهی بهره بگیریم، این ماه عزیز را پشت سر می گذاریم؛ در حالی که نمی دانیم نصیب ما از این ماه و از رحمت الهی و تفضل الهی در این ماه و در شبهای قدر چقدر بوده. ما نمی توانیم از این خیر بزرگ و فضل بزرگ بگذریم. کار ما سنگین است؛ راه ما طولانی است؛ وظیفه ی ما بزرگ است؛ جز با کمک الهی هم این وظایف سنگین را نمی شود انجام داد؛ لذا باید این فرصت ها را مغتنم شمرد. حرف امروز من عمدتاً درباره ی همین قضیه است.

خدای متعال مکرر در قرآن و از جمله در این آیه ما را امر می کند به آموزش طلبی و توبه ی به سوی خدا. توبه، یعنی برگشت. این برگشت، هم در مرحله ی ایمان و هم در مرحله ی عمل و رفتار است. ما کوتاهی هایی داشتیم و داریم؛ باید خود را اصلاح کنیم؛ و این در درجه ی اول اهمیت است. سوره ی مبارکه ی هود این طور شروع می شود: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. الر. کتاب احکمت ایاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر. الا تعبدوا الا الله اثنی لکم منه نذیر و بشیر و ان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه». یعنی رسالت قرآنی در درجه ی اول مسأله ی توحید است؛ بلافاصله بازگشت به خدا و آموزش طلبی از خدا مطرح می شود. این، مربوط به همه ی طبقات است؛ از پیغمبران گرفته تا درجات پایین؛ منتها گناهی که از آن استغفار می کنیم، در ما یک چیز است؛ در پاکان و برجستگان چیز دیگری است. «کار پاکان را قیاس از خود مگیر». آنها هم احتیاج دارند به استغفار؛ آنها هم ممکن اند؛ «سیه رویی ز ممکن در دو عالم جدا هرگز نشد، واللّه اعلم»؛ آنها هم احتیاج دارند که طلب مغفرت کنند و این نقص و نرسیدن و این کندی نسبی را با طلب مغفرت از خدا جبران کنند. در مورد ما هم که خطاها و گناهان یکی دو تا نیست؛ ما انواع و اقسام خطاها را داریم. این، حرف اصلی ماست.

روایتی را هم در این جا ذکر کنم: «ادفعوا ابواب البلیایا بالأسْتَغْفَارِ»؛ در بلا را به وسیله ی استغفار ببندید. در همین آیه هم که خواندیم، دارد «یمتتعکم متاعا حسنا»؛ یعنی بهره مندی نیکو از زندگی، با استغفار و توبه و آموزش طلبی از خدای متعال حاصل خواهد شد.

در یک روایت دیگر دارد: «خیر الدّعا الأستغفار»؛ از همه ی دعاها بهتر، طلب آموزش از خدای متعال است. در مناجات شعبانیه آمده است: «الهی ما اظنک تردتی فی حاجة قد افنیت عمری فی طلبها منک». این حاجت چیست؟ حاجتی که می گوید من همه ی عمرم را در طلب آن سپری کردم، عبارت است از مغفرت الهی.

آموزش الهی به معنای اصلاح خطاهاست؛ به معنای جبران کردن ضربه هایی است که بر خودمان و بر دیگران وارد کردیم. اگر بشر بجد درصدد اصلاح خطاها و مفاصد باشد، راه خدا هموار خواهد شد و سرانجام بشر، سرانجام نیکی خواهد شد. اشکال کار ما انسان ها غفلت از خطای خود، غفلت از لزوم اصلاح، و غفلت از اجرایی کردن اصلاح در خود است. اگر این غفلت ها از بین رفت و اگر این عزم به وجود آمد، همه چیز اصلاح می شود. در مرحله ی اول - که مرحله ی مقدماتی و جزو بزرگترین وظایف ماست - خودمان اصلاح می شویم، که اساس هم این است؛ یعنی همه ی کارها مقدمه ی اصلاح خود است؛ همه ی کارها مقدمه ی کسب رضای الهی از خود است؛ «علیکم انفسکم لایضرکم من ضلّ اذا اهتدیتم»؛ همه ی تلاشها و مجاهدتها برای این است که بتوانیم خدا را از خودمان راضی کنیم و به کمالی که در اصل آفرینش برای ما در نظر گرفته شده، خود را برسانیم.

مرحله ی دیگر، استغفار اجتماعی و اصلاح اجتماعی است؛ مسیر و هدف جمعی و کارکرد عمومی را در حوزه ی توانایی خودمان اصلاح کنیم؛ که این واضح ترین نمونه از تأثیر استغفار و مفهوم و محتوا و مضمون واقعی استغفار است. نباید این کار را دشوار به حساب آورد. اگر اراده کنیم، این کار آسان است و ما می توانیم. این شب ها در دعای شریف ابوحمزه خواندید: «و ان الرّاحل اليك قريب المسافة»؛ پروردگارا! کسی که به سمت تو بیاید، راهش نزدیک است. عمده، عزم کردن، حرکت کردن و همت گماشتن است. «و اذك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الأعمال دونك». ما به دست خود و با خطاهای خود، بین خود و خدا فاصله ایجاد می کنیم. خدای متعال با ما فاصله یی ندارد؛ راه نزدیک است. اگر توفیقی پیدا شد، این توفیق نشانه ی رحمت الهی است. اگر توانستید از دل استغفاری برآورید و عزمی و حرکتی بکنید، بدانید که توفیق الهی و توجه الهی شامل حال شماست؛ شما را دارند جذب می کنند و می کشند. خدا در موارد متعدد توبه را به خودش نسبت می دهد؛ «ثمّ تاب عليهم ليتوبوا»؛ خدا توبه کرد تا انسانها توبه کنند. توبه یعنی چه؟ یعنی توجه و برگشت. خدا به شما عطف توجه کرد؛ این موجب شد تا دل شما هم به خدای متعال متمایل شود.

تا که از جانب معشوق نباشد کشتی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد در همین دعای ابی حمزه ی ثمالی عرض می کنیم: «معرفتی یا مولای دلیلی عليك و حبّی لك شفیعی اليك و انا واثق من دلیلی بدلالتك و ساکن من شفیعی الی شفاعتك»؛ این که تو من را به خود دلالت کردی، این که دلیل برای من اقامه شد، گواه بر این است که تو من را داری دلالت می کنی؛ تو من را داری می کشانی و جذب می کنی. اگر می بینید در ماه رمضان دستهای جوانان ما در مساجد به سوی آسمان بلند می شود و صدای «العفو» آنها فضای جامعه را پُر می کند، بدانید که نظر لطف خدا روی این ملت است؛ جذب الهی است؛ کشتی است که خدای متعال ایجاد کرده است؛ چون می خواهد رحمت خود را بفرستد. «اللهم ائی اسئلك موجبات رحمتك»؛ از خدای متعال موجبات رحمت را می خواهیم. این، موجبات رحمت را فراهم می کند. خدای متعال می خواهد رحمت و لطف خود را شامل حال این ملت کند.

از سه گونه گناه باید استغفار کرد؛ اینها به درد ما می خورد؛ من و شما در کارهای مدیریتی هم به آن نیاز داریم. غفلت از اینها خسارتهای بزرگی را بر ما وارد کرده است و می کند. سه جور گناه وجود دارد: يك جور گناهی است که فقط ظلم به نفس است - که تعبیر ظلم به نفس در قرآن و در حدیث فراوان است - گناهی است که فرد مرتکب می شود و اثر مستقیمش هم به خود او برمی گردد؛ گناهان متعارف فردی معمولی.

نوع دیگر، گناهی است که فرد مرتکب می شود، اما اثر مستقیم آن به مردم و به دیگری می رسد. این گناه، سنگین تر است. این گناه، ظلم به نفس هم هست؛ اما چون تعدی و تجاوز به دیگران است، دشواری کار آن بیشتر است و علاج آن هم سخت تر است؛ از قبیل ظلم، غصب، پایمال کردن حقوق مردم، پایمال کردن حقوق عمومی انسانها. این گناه بیشتر متعلق می شود به حکومت ها؛ این گناه مدیران است؛ این گناه سیاستمداران است؛ این گناه شخصیت های بین المللی است؛ این گناه آنهایی است که يك کلمه حرفشان، يك امضایشان، يك عزلشان، يك نصبشان می تواند خانواده هایی و گاهی ملتی را تحت تأثیر قرار دهد. مردم عادی معمولاً این طور گناهی ندارند؛ اگر هم داشته باشند، دایره اش خیلی ضعیف است؛ کسی راه برود و مثلاً پای کسی را عمدتاً لگد کند؛ در این حد است. اما من و شما اگر قرار شد مبتلای به این نوع گناه شویم، دامنه اش وسیع است. همین طور که گفتیم، يك امضای ما، يك حکم ما، يك حرف ما، يك قضاوت ما، يك نشست و برخاست ما در محل تصمیم گیری می تواند اثر مستقیم خودش را به جماعت های زیادی برساند. این نوع گناه هم استغفار متناسب با خودش دارد. گناه نوع اول استغفارش به این است که انسان صادقانه از خدای متعال آمرزش بخواهد؛ اما گناه نوع دوم مسأله اش فقط با استغفار حل نمی شود؛ انسان باید آن را درست کند. مقوله ی اصلاح کردن و درست کردن و مشکلات را برطرف کردن، این جا پیش می آید.

نوع سوم، گناهان جمعی ملتهاست. بحث يك نفر آدم نیست که خطایی انجام دهد و يك عده از آن متضرر شوند؛ گاهی يك ملت یا جماعت مؤثری از يك ملت مبتلا به گناهی می شوند. این گناه هم استغفار خودش را دارد. يك

ملت گاهی سالهای متمادی در مقابل منکر و ظلمی سکوت می کند و هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهد ؛ این هم يك گناه است ؛ شاید گناه دشوارتری هم باشد ؛ این همان «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» است ؛ این همان گناهی است که نعمت های بزرگ را زایل می کند ؛ این همان گناهی است که بلاهای سخت را بر سر جماعت ها و ملت های گنجهکار مسلط می کند. ملتی که در شهر تهران ایستادند و تماشا کردند که مجتهد بزرگی مثل شیخ فضل الله نوری را بالای دار بکشند و دم نزدند ؛ دیدند که او را با این که جزو بانیان و بنیانگذاران و رهبران مشروطه بود، به جرم این که با جریان انگلیسی و غربگرایی مشروطیت همراهی نکرد، ضد مشروطه قلمداد کردند - که هنوز هم يك عده قلمزن ها و گوینده ها و نویسنده های ما همین حرف دروغ بی مبنای بی منطق را نشخوار و تکرار می کنند - پنجاه سال بعد چوبش را خوردند: در همین شهر تهران مجلس مؤسسانی تشکیل شد و در آن جا انتقال سلطنت و حکومت به رضاشاه را تصویب کردند. آنها يك عده آدم خاص نبودند ؛ این يك گناه ملی و عمومی بود. «و اتقوا فتنة لا تصیبنّ الذین ظلموا منکم خاصة» ؛ گاهی مجازات فقط شامل افرادی که مرتکب گناهی شدند، نمی شود ؛ مجازات عمومی است ؛ چون حرکت عمومی بوده ؛ ولو همه ی افراد در آن شرکت مستقیم نداشتند. همین ملت آن روزی که به خیابان ها آمدند و سینه شان را مقابل تانک های محمدرضا پهلوی سپر کردند و از مرگ نترسیدند ؛ یعنی تحمل و صبر و سکوت گناه آلود پنجاه ساله را تغییر دادند، خدای متعال پاداش آنها را داد ؛ حکومت ظلم ساقط شد، حکومت مردمی سر کار آمد ؛ وابستگی ننگ آلود سیاسی از بین رفت، حرکت استقلال آغاز شد و ان شاءالله ادامه هم دارد و ادامه پیدا خواهد کرد و این ملت به توفیق الهی و به همت خود، به آرمانهای خودش خواهد رسید. این به خاطر این بود که حرکت کرد. بنابراین گناه نوع سوم هم يك طور استغفار دارد.

در قرآن بارها «توبه» یا «اصلاح» همراه آمده است ؛ «الا الذین تابوا و اصلحوا»، «من تاب و امن و عمل صالحا». در جایی مصداق این اصلاح هم ذکر شده است: «انّ الذین یکتُمون ما انزلنا من البیّنات» ؛ در مقابل کسانی که کتمان کنندگان حقایق بودند، «الا الذین تابوا و اصلحوا و بیّنوا». یا «الا الذین تابوا و اصلحوا و اعتصموا بالله و اخلصوا دینهم لله» ؛ درباره ی کسانی است که نفاق ورزیدند و دودله شدند. می فرماید توبه و اصلاح اینها به این است که خودشان را يك دله و خالص کنند. بنابراین اصلاح لازمه ی توبه است.

ما باید استغفار کنیم. استغفار ما فراتر از استغفار اشخاص خود ماست. بنده هم باید بروم برای شخص خودم استغفار کنم، شما هم باید استغفار کنید. در واقع نمی شود گفت ما گناهکاریم ؛ غرق گناهیم. اینقدر کوتاهی، اینقدر تخلف و اینقدر تقصیر در اعمال شخصی ما وجود دارد ؛ لذا باید استغفار کنیم. استغفار هم دل را نورانی و ذهن و روح را شفاف می کند. این که استغفارهای شخصی ماست ؛ بین خود ما و خداست ؛ لیکن استغفارهای عمومی هم داریم ؛ چون جمعی که این جا نشسته اند، مسؤولان کشور هستند ؛ رؤسای قوا هستند ؛ مدیران ارشد کشور هستند. من پنج سرفصل را یادداشت کرده ام ؛ اما چون وقت نیست، توضیح نمی دهم ؛ فقط عبور می کنم.

یکی مسأله ی اختلاف است. از اختلافات باید توبه و استغفار کنیم. اختلاف به ما ضربه می زند. اختلاف گاهی با برانگیختن احساسات قومی و مذهبی و محلی و سیاسی است ؛ گاهی با به کشمکش رساندن اختلافات فکری است. اختلاف فکری ممکن است وجود داشته باشد، ایرادی هم ندارد ؛ اما نباید به کشمکش برسد. این که ما به بعضی از کسانی که بر ضد اعتقادات مردم، بر ضد حقایق موجود جامعه و بر ضد تاریخ صحیح قلم فرسایی های اغواگر می کنند، اعتراض می کنیم، به خاطر همین است ؛ و الا ما با بیان آزاد، مسأله و مشکلی نداریم. بنده به معنای حقیقی و وسیع کلمه معتقد به آزادی بیانم ؛ منتها برخی از حرفها جایش در منبرهای عمومی نیست ؛ جایش در مباحث تخصصی است. بله، چند نفر فقیه بنشینند، چند نفر حقوقدان بنشینند، چند نفر فیلسوف بنشینند، چند نفر جامعه شناس بنشینند درباره ی اساسی ترین مسائل و درباره ی اصل توحید با هم بحث کنند ؛ یکی رد کند، یکی قبول کند، یکی استدلال کند ؛ بعد هم پخش بشود و جلوی چشم مردم قرار بگیرد ؛ اما در محافل تخصصی این کار باید انجام بگیرد. درباره ی بینات انقلاب هم همین طور است ؛ درباره ی مسائل اساسی نظام جمهوری اسلامی هم همین طور است ؛ در مجالس تخصصی بحث انجام بگیرد. این نهضت آزادفکری که ما مطرح کردیم، برای همین است. البته دانشگاه ها و حوزه ها اول حرکت خوبی از خود نشان دادند و تجاوب کردند ؛ لیکن عملاً من در صحنه چیزی

مشاهده نمی‌کنم. محافل علمی راه بیندازند و بحث کنند؛ اما اگر قرار شد یک نفر اغواگرانه مطلبی را که در حوزه‌ی تخصصی باید به بحث و جدل و استدلال طرفینی گذاشته شود، برای عامه‌ی مردم بیان کند، این آزادی بیان نیست. البته اینها اختلافات فکری و سیاسی و اختلاف و شکاف بین ارکان حاکمیت نظام است که می‌تواند به کشمکش نرسد. چند سال تلاش داشتند این کار را بکنند؛ یعنی بین ارکان حاکمیت اختلاف بیندازند. پیداست که وقتی بین مسؤولان اصلی کشور کشمکش و دعوا و اختلاف بود و همدیگر را قبول نداشتند و دائم به فکر ضربه زدن به هم بودند، کارها پیش نمی‌رود. خوشبختانه برخی از مسؤولان هوشیارانه زیر بار نرفتند و اجازه ندادند؛ و الا دشمن برنامه اش خیلی وسیع بود.

امروز، هم جبهتی سه قوه برای ملت ایران یک فرصت است. البته عده‌ی این را محکوم می‌کنند، که این محکوم کردن غلط است. این که کسانی در قوای مختلف با انتخاب و خواست مردم در جهت واحدی از لحاظ مشی سیاسی حرکت کنند، هیچ چیز مضری نیست؛ برای کشور مفید است. البته عرصه باز است، کارها شفاف است و مردم می‌بینند. منتقد، انتقاد منصفانه می‌کند؛ قدر و ظرفیت اشخاص، همت‌ها و انگیزه‌ها مشخص می‌شود؛ این ایرادی ندارد. الان فرصتی پیش آمده است. نگذارید این فضای هماهنگی، با طرح بی‌مورد برخی از اشکالات یا با بزرگ کردن چیزهای کوچک، از بین برود. توجه داشته باشید چشم و گوش‌های بدخواه و بددلی وجود دارند که می‌خواهند بین عناصر هم جهت اختلاف به وجود بیاورند و نگذارند کار کنند. خیلی مراقب باشید؛ هم در دولت مراقب باشید، هم در مجلس مراقب باشید، هم در قوه‌ی قضاییه مراقب باشید، هم در عرصه‌های گوناگون سیاسی و مطبوعاتی و غیره. انتقاد، طلب اصلاح و مطالبه‌ی مطالبات مردم، خوب است؛ عیب‌جویی بی‌منطق، بزرگنمایی، تهمت زنی و افترا و شایعه‌پراکنی بی‌اساس بد است؛ اینها را باید از هم تفکیک کرد. به نظر من این یکی از چیزهایی است که ما هر چه در گذشته در این زمینه کوتاهی داشتیم، حالا باید از این کوتاهی‌ها استغفار کنیم و نگذاریم غفلت ما ادامه پیدا کند.

دوم، مسأله‌ی خودخواهی به معنای وسیع کلمه است. از خودخواهی‌ها باید استغفار کنیم. خودخواهی نقطه‌ی مقابل خداخواهی است. دل خودخواه به همان اندازه که خودخواه و خودپرست است، از خداخواهی و خداپرستی دور است. این خودخواهی به معنای وسیع کلمه است؛ یعنی شامل حمایت بی‌استدلال و متعصبانه و حمیت آمیز از خود، از حزب خود، از جناح خود، از خویشاوند و وابسته‌ی خود و از دوست و رفیق صمیمی خود است؛ این غلط است. بسیاری از اختلافاتی که در جامعه‌ی سیاسی کشور ما وجود داشت، ناشی از همین بود. بنده سالها پیش - شاید بیست سال پیش - گفتم اختلافاتی که به عنوان چپ و راست بروز می‌کند، مثل اختلافات قبیله‌ی بی‌زمان قدیم است. نگذاریم این حالت ادامه پیدا کند؛ نگذاریم این خودخواهی‌ها در ما رسوخ کند و منشأ اثر شود. سوم، غفلت از مردم و خدمت به آنهاست. اگر غفلتی در این مورد داشته‌ایم، باید به خدا پناه ببریم و توبه کنیم. نگذاریم دل ما از مردم غافل شود؛ بخصوص شما مسؤولانی که مردم با شعار «خدمت به مردم»، «مبارزه‌ی با فساد»، «عدالت اجتماعی» - چه در مجلس، چه در دولت - شما را انتخاب کرده‌اند. یک لحظه باید از خدمت به مردم غافل نشویم. به برکت گفتمان عدالت و خدمت و مبارزه‌ی با مفاسد، امروز این مجلس و این دولت شکل گرفته. علاقه‌ی مردم به این مفاهیم بوده؛ نمی‌شود این مفاهیم را مجرد و انتزاعی بدانیم؛ اینها مفاهیم واقعی است؛ در میدان زندگی است.

عدالت را باید در برنامه‌های گوناگون معنا کنید. آنچه مربوط به عدالت و خدمت به امور اقتصادی و مادی مردم است، در سیاست‌های برنامه‌ی چهارم وجود دارد؛ که از جمله‌ی آنها تقویت پول ملی، مهار تورم و گرانی، کم کردن شکاف و فاصله بین دهک‌های بالا و پایین جامعه و از این قبیل است. این سیاست‌ها باید به برنامه تبدیل شود؛ و الا خود عنوان «عدالت» یک هدف آرمانی است. سیاست‌هایی که می‌تواند ما را به عدالت برساند و برنامه‌هایی که می‌تواند این سیاست‌ها را محقق کند، باید مورد توجه قرار بگیرد. البته در برنامه‌ی چهارم در این زمینه مشکلاتی وجود دارد؛ این مشکلات هم باید برطرف شود؛ برنامه واقعاً طبق سیاست‌ها تحقق پیدا کند تا بتوان امیدوار بود که با این برنامه به آن سیاست‌ها خواهیم رسید.

سرفصل بعدی، غفلت از مبانی اقتدار ملی و موجبات پایه های اصلی اقتدار ملی است. يك ملت برای این که به سعادت معنوی برسد، برای این که به آزادی برسد، برای این که به قله های معرفت برسد، احتیاج دارد به این که قوی و مقتدر باشد؛ گر چه آن چیزها هم خودش از موجبات اقتدار است. يك ملت ضعیف، يك ملت توسری خور، يك ملت وابسته و دنباله رو، ملتی که چشمش به دست و دهان دیگران است، نمی تواند خودش را به قله های آرمانی برساند. اقتدار ملی را باید تأمین کرد. اقتدار ملی با چه چیزی تأمین می شود؟ با علم و اخلاق. درباره ی علم خیلی صحبت کرده ایم؛ در این جلسه درباره ی اخلاق صحبت می کنیم. در اخلاق، ما نباید نمره کم بیاوریم. پیغمبر ما معلم اخلاق است. پرچم تهذیب و تکمیل اخلاق را پیغمبر برافراشته و رسالت پیغمبر اعلام کرده. ما باید در زمینه ی اخلاق دچار عقب ماندگی نشویم. رفتارهای اجتماعی، انضباط، وجدان کاری، قانون گرایی و روح دینداری - که بعضی آدم های بی انصاف، روح دینداری جوان های ما را در معرض تطاول قرار دادند و به نام حرف های بی محتوا و بی منطق و به نام آزادی، دستخوش غارت کردند - از پایه های اقتدار است.

از توانایی ها و ظرفیت های موجود هم نباید غفلت کنیم. یکی از پایه های اقتدار ملی این است که مسؤولان کشور و آحاد ملت اعتقاد داشته باشند می توانند این راهها را طی کنند و این کارها را انجام دهند؛ خود را عاجز، بی دست و پا و در محیط بن بست احساس نکنند. این را باید به مردم بدهیم؛ این از جمله ی وظایف ماست؛ این جزو کارهایی است که دولت باید انجام دهد. موجبات اقتدار ملی جزو کارهایی است که مربوط به حکومت است و دستگاه های حکومتی باید انجام دهند. البته توهم قدرت هم نداشته باشیم. آنچه را که نمی توانیم، با تخیل و توهم و خیال پردازی برای خودمان فرض نکنیم؛ غفلت از قدرت واقعی و حقیقی خودمان نداشته باشیم.

و آخرین سرفصلی که ذکر می کنم، غفلت از دشمن است. هر چه از دشمن و توطئه های دشمن غفلت کرده ایم، بایستی از آن استغفار و توبه کنیم. این توبه به معنای توجه دادن خود، تنبه دادن به خود به معنای آگاهی و هشیاری و باز شدن چشم ماست. مدتی این جنجال را راه انداختند که شما از دشمن، زیاد اسم می آورید؛ توهم توطئه دارید؛ خیال می کنید علیه شما توطئه است. با غفلت از توطئه، مگر توطئه از بین می رود؟ امروز دیگر همه چیز آشکار و ظاهر شده است. آن روزی که این حرفها زده می شد، شاید هنوز برخی از حرفها علنی نشده بود؛ اما امروز به طور علنی اعلان می کنند که علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه قانون اساسی ما، علیه ملت ما و علیه منافع ما توطئه وجود دارد. با غفلت از توطئه نمی توان از توطئه جان سالم به در برد. باید هوشمندانه و آگاهانه با دشمنی ها و توطئه ها آشنا شد و در مقابل آن هوشمندانه و آگاهانه و مدبرانه از خود و از منافع ملی خود و از هویت خود دفاع کرد.

امروز در منطقه ی ما مسائل فراوانی وجود دارد. شاید بشود گفت امروز حساس ترین نقطه ی دنیا منطقه ی خاورمیانه است. امریکا در این منطقه اهدافی را برای خود تعریف کرده است. هدف اساسی امریکا در چارچوب اهداف سلطه طلبانه و امپراتوری خواهانه ی امریکاست؛ این چیزی نیست که مقطعی انتخاب کرده باشند؛ نه، دنبال امپراتوری و تسلط بر همه ی دنیا هستند. در چارچوب این اهداف، مسأله ی خاورمیانه، منطقه ی حساس قرار می گیرد. برای خاورمیانه و خلیج فارس و شمال آفریقا برنامه دارند. البته این برنامه داشتن، معنایش این نیست که خواهد شد؛ نه، برنامه هم دارند، تمهید هم کرده اند، مقدماتش را هم فراهم می کنند و نمی رسند؛ کما این که نرسیده اند. در فلسطین نرسیدند، در عراق نرسیدند؛ لیکن برای این جاها و کشورهای دیگر برنامه دارند. برای عراق برنامه داشتند. هدف امریکا در این منطقه این است که در این کشورها دولت هایی سر کار بیایند که کاملاً دست نشانده و مطیع امریکا باشند و دردسری برای امریکا نداشته باشند. دولت های امروز خاورمیانه این طور نیستند. البته خیلی از آنها مطیع هستند، اما دردسر دارند. اگر طبق نسخه ی امریکایی بخواهند دردسر نداشته باشند، راهش این است که يك ظاهر دمکراسی در آن جا وجود داشته باشد؛ تسلط امریکا باشد، حکومت های بظاهر منتخب مردم هم سر کار باشند. حتی حکومت های سلطنتی یی که امروز در خاورمیانه وجود دارد، امریکا اینها را دوست نمی دارد؛ چون می داند اینها برای او مایه ی دردسر است. دولت های اسلامی و عربی باید به این نکته توجه کنند. امریکا برای مصر هم برنامه دارد؛ برای سعودی هم برنامه دارد؛ برای اردن هم برنامه دارد؛ برای کشورهای خلیج فارس هم

برنامه دارد. برنامه ی او فقط برای لبنان و سوریه و عراق نیست که دیگر کشورهای عربی بنشینند تماشا کنند که امریکا به خیال خود حساب سوریه و لبنان را برسد؛ بعد نوبت آنهاست. البته بین خواست امریکا و واقعیت خیلی فاصله است. گروهی که امروز در امریکا سر کارند، مثل آدم های مست تصمیم می گیرند؛ اصلاً نمی فهمند چه کار می کنند؛ اینها از خیلی واقعیات عالم فاصله دارند و دورند. خود تحلیلگران زبده و برجسته ی سیاسی امریکا هم امروز همین حرف ها را می زنند و می نویسند. سایت های اینترنتی و مطبوعاتشان از این حرف ها پُر است؛ می گویند اینها دارند امریکا را به نقطه ی اضمحلال و سقوط می کشانند. واقع قضیه هم همین است. وجود اینها برای امریکا احتمالاً انتقام خدایی است؛ لیکن به هر حال این برنامه را دارند.

این منطقه، چنین منطقه یی است. ما در این منطقه، نقطه یی هستیم که قدرت ملی و قدرت سیاسی کشور ما، هم در خود منطقه، هم در سطح دنیا، هم در زبان تحلیلگران سیاسی زبده و درجه ی یک دنیا مورد اعتراف قرار گرفته؛ این را قبول کرده اند. یک کشور بزرگ، یک کشور آباد در یک نقطه ی فوق العاده حساس، با جمعیت زیاد، با مسؤولان متحد و متفق، با ملت با استعداد و با ملت جوان؛ ما چنین موقعیتی داریم. در این موقعیت باید حواسمان جمع باشد؛ متوجه اطراف باشیم؛ توطئه های دشمنان را ببینیم؛ آگاهانه و هوشیارانه و مدبرانه و شجاعانه حرکت کنیم. این که می بینید جنجال علیه جمهوری اسلامی زیاد است، دلیل اقتدار ماست. امام (رضوان الله علیه) یک وقت فرموده بودند اگر جمهوری اسلامی چیزی نیست، چرا این قدر علیه آن صف آرای می کنند؟ اگر اهمیتی ندارد، چرا برای مقابله ی با آن، این قدر خودکشان می کنند؟ این، دلیل اقتدار جمهوری اسلامی است. این چند روزه سر قضیه ی موضعگیری رئیس جمهور جنجالی به وجود آوردند. البته این بار اول هم نبود؛ بار چندم بود. یک بار دیگر هم ده، یازده سال قبل به مناسبت قتل اسحاق رابین، رئیس جمهور وقت ما آن روز اظهار نظری کرد؛ جنجالی درست کردند که چرا رئیس جمهور ایران از قتل نخست وزیر اسرائیل اظهار خوشحالی کرده! اولین احساسی که به انسان دست می دهد، شرمندگی از بشریت است به عوض سران اروپا و غرب؛ اینها باید از بشریت شرمند باشند که این قدر تحت نفوذ صهیونیست ها هستند؛ از ملت های خودشان هم باید شرمند باشند. مگر در دنیا دولتی هایی که دولت های دیگر را قبول نداشته باشند و هویت سیاسی آنها را انکار کنند، وجود ندارند؟ مگر رؤسای کشورهایایی که در دل آرزوی نابودی رئیس یک کشور دیگر را داشته باشند، در دنیا کم اند؟ به زبان هم می آورند، مرتب هم هست. کجا چنین حساسیتی به وجود می آید؟ نفوذ صهیونیست ها روی دولت های غربی و اروپایی متأسفانه چنین جنجال هایی را به وجود می آورد. بعد هم از فرصت استفاده کردند، این را وصل کردند به قضیه ی انرژی اتمی! آن نادانی که اولین بار این حرف را زد و این را به ماجرای انرژی اتمی وصل کرد، نفهمید که سلاح اتمی برای از بین بردن حکومت ها و سیستم ها و رژیم ها نیست؛ سیستم ها و رژیم ها با سلاح اتمی از بین نمی روند؛ سلاح اتمی فقط می تواند انسان ها و سرزمین ها را نابود کند. آنچه رژیم ها را نابود می کند، قدرت مقاومت و عزم و مبارزه ی ملت هاست؛ که این عزم و مبارزه در فلسطین وجود دارد و به فضل الهی حتماً به سرنگونی رژیم صهیونیستی منتهی خواهد شد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می دهیم ما را موفق به استغفار و توبه بفرما؛ با نور توبه، دل های ما را روشن و منور کن؛ شر دشمنان را از سر امت اسلامی و عموم ملت های مسلمان کم و کوتاه کن. پروردگارا! ملت عزیز ایران را روزبه روز عزیزتر بفرما.

(یکی از دوستان بخصوص از من درخواست کردند که درباره ی نماز به مدیران سفارش و تأکید کنم. در مورد نماز، بخصوص به مسؤولان آموزش و پرورش و دانشگاه ها عرض می کنم که در این باره اهتمام بورزید. ان شاء الله کسانی که مسؤول اقامه ی نماز هستند، بتوانند برنامه های خود را در دستگاه ها بسهولت اجرا کنند. همکاری های خوبی با اینها شده، بعد از این هم این همکاری ها باید ان شاء الله روزبه روز زیاد شود.)

پروردگارا! شهدای عزیز ما را با پیغمبر محشور بفرما؛ همدلی میان مسؤولان کشور را روزبه روز بیشتر کن. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد مسؤولان کشور را در قوای سه گانه در انجام دادن وظایف خودشان موفق و مؤید بگردان.

والسلام علیکم ورحمة الله